

نقش و کارکرد انجمن‌ها در مشروطه اول

دکتر علی‌اکبر خدیری‌زاده^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای انقلاب مشروطه ایران تشکیل انجمن‌های گوناگون سیاسی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی است. این انجمن‌ها نقش مؤثری در تحولات سیاسی عصر مشروطه ایفا کردند، لیکن اهداف و فعالیت آنها متفاوت بود. انجمن‌های سیاسی ملی (تندرو) به عنوان مدافعان اصلی مجلس شورای ملی و نظام مشروطه در دوران فعالیت خود به گونه‌ای رفتار کردند که خشم و نفرت طرف‌داران استبداد و حتی دیوان سالاران اصلاح طلب میانه رو علیه آنها برانگیخته شد. از این رو، در ماه‌های پایانی مجلس دوره اول واکنش تندی بر ضد انجمن‌ها در مجلس به وجود آمد که باعث محو تمامی انجمن‌ها در مجالس بعدی شد. این مقاله تلاش دارد چگونگی تشکیل، فعالیت و پیامدهای انجمن‌ها بر ضد طرفداران استبداد در دوره مشروطه اول را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطه، انجمن‌ها، مجلس، استبداد خواهان.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

مقدمه

صدور فرمان مشروطیت، تهیه نظام‌نامه انتخابات مجلس، تدوین قانون اساسی و متمم آن با تلاش دیوان‌سالاران اصلاح طلب تحقق یافت. با برقراری نظام مشروطه دیوان‌سالاران اصلاح طلب، که از دوران ناصرالدین شاه آرزوی اصلاح ساختار مدیریتی کشور را داشتند، با حضور در مجلس و عضویت داشتن در هیئت دولت، زمام امور مملکت را به دست گرفتند.

آنان تأسیس حکومت مشروطه سلطنتی را یگانه روش ایجاد تحول در نظام کهنه اداری، گسترش روابط ایران با کشورهای اروپایی، توسعه اقتصادی و اقتدار دولت مرکزی می‌دانستند. به همین سبب، نظر مساعدی نسبت به اقتدار مجلس در برابر دولت نداشتند. دیوان‌سالاران با جناح تند رو (انقلابی) مجلس و انجمن‌های ملی که مدافع سرسخت مشروطه و مجلس بودند، نیز مخالفت می‌ورزیدند و فعالیت انقلابی آنان را مغایر با اهداف نظام مشروطه تلقی می‌کردند. در مشروطه اول، دیوان‌سالاران اصلاح طلب، که دارای تمایلات لیبرالی بودند، ضمن ارائه برنامه‌های اصلاحی خود به مجلس، دست به ائتلاف با تجار و علما و جناح معتدل و میانه رو مجلس زدند. در همین راستا، تلاش بسیار برای اخراج نمایندگان تندرو از مجلس، توقف فعالیت انجمن‌ها و ایجاد توافق بین مجلس و محمدعلی شاه از خود نشان دادند، لیکن کوشش آنان مبنی بر همکاری و همدلی شاه با مجلس نتیجه‌ای دربر نداشت. سرانجام، مجلس اول با فرمان شاه به توپ بسته شد.

انجمن‌های عصر مشروطه

تشکیل انجمن‌های سیاسی عصر مشروطه ریشه در دوران مبارزه با استبداد قاجارها داشت. در واقع، فعالیت انجمن‌های مخفی دوران انقلاب مشروطیت الگوی خوبی برای تشکیل انجمن‌های ملی به منظور دفاع از مشروطه بود. ابتدا در اواخر تابستان ۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶م، تعدادی انجمن برای نظارت بر انتخابات مجلس تشکیل شد. ماده ۹ نظام‌نامه

انتخابات، تشکیل انجمن‌هایی را، به عنوان مرکزی که بر انتخابات مجلس نظارت کنند، مقرر کرده بود. انجمن‌ها از نمایندگان خوش‌نام محل و شش گروه انتخاب‌کنندگان ترکیب می‌یافتند. انجمن‌های مزبور در حقیقت هسته‌های اولیه برای تشکیل انجمن‌هایی به نام انجمن‌های ایالتی و ولایتی بودند که بعدها در نقاط مختلف کشور تشکیل شدند. البته، نوع فعالیت این انجمن‌ها با انجمن‌های سیاسی متفاوت بود. به واقع، انجمن‌هایی که در عصر مشروطه شکل گرفتند، به دو دسته انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های سیاسی تقسیم می‌شوند:

الف) انجمن‌های ایالتی و ولایتی

پیش از تصویب قانون «انجمن‌های ایالتی و ولایتی»، نخستین انجمن در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴/۷ اکتبر ۱۹۰۶ در تبریز شکل گرفت که هدف اصلی آن، نظارت بر انتخابات مجلس در آن شهر بود. علاوه بر آن، در شهرهای دیگر، همچون رشت و اصفهان، نیز انجمن‌هایی به همین منظور به وجود آمد. با پایان گرفتن انتخابات، محمدعلی میرزا ولیعهد تصمیم گرفت انجمن تبریز را، تعطیل کند؛ اما آزادی خواهان تبریز زیر بار تصمیم وی نرفتند. محمدعلی میرزا هم طی دست خط ۱۷ رمضان ۱۳۲۴/۴ نوامبر ۱۹۰۶ ناگزیر به ادامه کار انجمن گردن نهاد. (کسروی، ۱۳۶۹: ۹-۴۶۷).

بنابراین، پیش از تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انجمن‌های تبریز، رشت، اصفهان، شیراز، کرمان، خراسان و چند شهر دیگر فعال بودند و تلاش زیادی برای تصویب قانون مزبور از خود نشان دادند؛ تا آن که در ۳۰ صفر ۱۳۲۵/۱۳ آوریل ۱۹۰۷، مجلس قانون «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» را به تصویب رساند و انجمن‌های مزبور را نماینده دولت خواند (مذاکرات مجلس اول، ۳۰ صفر ۱۳۲۵). سپس، مجلس برای رفع هر گونه ابهامی، تلگرافی به همه نقاط کشور مخابره کرد و در آن، خاطر نشان ساخت: از ممالک ایران فقط چهار مملکت آذربایجان، خراسان، فارس و کرمان و بلوچستان، به عنوان ایالت مقبول شده و سایر ممالک ایران تماماً به عنوان ولایت به شمار آمده و

فقط در شهر حاکم نشین هر ولایت انجمن ولایتی تشکیل خواهد شد. (رفیعی، ۱۳۶۲: ۵۳). ولایات مزبور شامل کرمانشاه، بروجرد، اصفهان، یزد، عراق، استرآباد، مازندران، کردستان، رشت، قزوین و بوشهر می شد. (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۱: ۳۶). همچنین، تصریح شد که نمایندگان انجمن ها از میان طبقات شش گانه (علماء، شاهزادگان، اعیان، تجار، ملاکین و فلاحین، کسبه و اصناف) انتخاب شوند. ظاهراً، تقسیم بندی ایالات و ولایات کشور منطقی و بی اشکال نبود و به همین علت، اعتراض برخی از وکلای مجلس و مردم، خصوصاً اهالی رشت و انزلی، را در پی داشت. با این حال، هیچ تغییری در این باره صورت نگرفت. (انجمن های ملی ولایتی گیلان، س ۱، ش ۴؛ ساحل نجات، س ۱، ش ۱ و ۲؛ رایینو، ۱۳۶۸: ۲۵-۲۴). در مورد تشکیل انجمن بلوکات نیز، به دلیل نفوذ مالکان بزرگ و جلوگیری از درگیری احتمالی انجمن با ملاکین، موانعی ایجاد شد. به علاوه، اکثر حاکمان محلی به نظام گذشته وفادار بودند و اجازه فعالیت به انجمن ها نمی دادند.

انجمن های ایالتی دارای ۱۲ نفر عضو از مرکز ایالت، و انجمن های ولایتی دارای ۶ نفر عضو از مرکز ولایت بودند. علاوه بر آن، از هر ولایت تابع ایالت یک نفر به انجمن ایالتی، و از هر بلوک تابع ولایت یک نفر به انجمن ولایتی اضافه می شد. انتخاب کنندگان اعضای انجمن های ایالتی در شهرها می بایستی حائز این شرایط باشند:

الف) تابعیت ایران

ب) داشتن ۲۰ سال تمام

ج) دارا بودن ملک یا خانه در آن ایالت، یا دادن مالیات مستقیم

البته اشخاصی که مرتکب جنحه یا جنایتی شده بودند، و یا اشخاصی که معروف به فساد عقیده یا مرتکب قتل یا سرقت شده بودند، یا اشخاص ورشکسته به تقصیر و زنان و افراد نابالغ حق انتخاب نداشتند. (مذاکرات مجلس اول، ۳۰ صفر ۱۳۵۲). از جمله وظایف مهم انجمن ها، نظارت بر اجرای قوانین مقرر و رسیدگی به امور خاص ایالت بود، که شامل رسیدگی به شکایات مردم از حکام، نظارت بر انتخابات ایالات و

وصول مالیات و غیره می‌شد. فعال‌ترین این انجمن‌ها، که نقش برجسته‌ای در تحولات سیاسی عصر مشروطه ایفا کردند، عبارت بودند از: انجمن ایالتی آذربایجان، انجمن ولایتی رشت، انجمن ولایتی اصفهان و انجمن ایالتی کرمان.

۱. انجمن ایالتی آذربایجان

هستفاولفی این انجمن در حقیقت همان «انجمن تبریز» بود که پس از تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی به «انجمن ایالتی آذربایجان» تغییر نام یافت. انجمن مزبور با این که از طرف مجلس تشکیلاتی ایالتی اعلام شده بود و وظایفی چون نظارت بر انتخابات، رسیدگی به شکایات و جمع‌آوری مالیات و غیره، به عنوان نماینده دولت مرکزی، بر عهده آن گذاشته شده بود، لیکن خواهان اصلاحات وسیع‌تر و اساسی‌تر اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور بود. موضع انجمن در مسایل مربوط به مشروطه تغییرناپذیر بود و حاضر به هیچ گونه سازشی با استبداد نشد. (رفیعی، همان: ۱۶۴).

این انجمن در غره رمضان ۱۹/۱۳۲۴ اکتبر ۱۹۰۶، روزنامه‌ای منتشر ساخت که از شماره ۱ تا ۵ «جریده ملی» از شماره ۶ تا ۹ «روزنامه ملی»، از شماره ۱۰ تا ۳۷ «جریده ملی» نام گرفت. اما به علت آنکه ارگان انجمن ایالتی بود، از شماره ۳۸ به بعد با نام «انجمن» انتشار یافت. این روزنامه ابتدا هفته‌ای دوبار و بعد هفته‌ای سه یا چهار بار منتشر می‌شد. مطالب روزنامه مذکور به خصوص اکثر مندرجات شماره‌های نخست آن، درباره اقدامات انجمن و وقایع آذربایجان بود، که با نثری ساده نوشته می‌شد. روی هم رفته، این روزنامه از منابع مهم برای آشنایی با نحوه فعالیت‌های انجمن ایالتی آذربایجان و رخدادهای سیاسی تبریز در عصر مشروطه به شمار می‌آید.

انجمن مزبور با انجمن‌های سایر شهرهای آذربایجان تماس داشت و دستوراتی خطاب به آنها صادر می‌کرد. انجمن ایالتی آذربایجان به طور کلی تندرو و انقلابی بود. شهرت این انجمن فقط به علت این نبود که نخستین انجمنی بود که پس از مشروطه تشکیل شده بود، بلکه به دلیل حمایت مؤثری بود که در ذی حجه ۱۳۲۵ / ژانویه ۱۹۰۸

از مجلس کرد و اعتصاب گسترده‌ای را در تبریز دامن زد تا محمدعلی شاه خواسته‌های آن را، که عزل نوز و قبول اساس مشروطه بود، بپذیرد. (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۵۷).

کسروی، که از نزدیک شاهد فعالیت‌های این انجمن بوده است، درباره هدف اصلی از تأسیس آن، می‌نویسد: چنین می‌خواستند که در همه شهرها رشته در دست خود مردم باشد تا حکم‌رانان نتوانند با دستور محمدعلی میرزا کارشکنی‌هایی کنند. این را خود تبریزیان به‌کار بسته و چنان انجمنی برپا گردانیده بودند و می‌خواستند در همه جا آن باشد. (کسروی، همان: ۲۱۶-۲۱۵). برخی از اعضا و همکاران انجمن مزبور عبارت بودند از: حاج مهدی کوزه‌کنانی، شیخ سلیم، میرزا حسین واعظ، میرزا جواد ناطق، میرزا اسماعیل نویری، حاج اسماعیل امیر خیزی، میرزا علی اکبرخان و کیلی، سیدحسن شریف‌زاده، شیخ محمد خیابانی، ثقه الاسلام، معین‌الرعا، معتمدالتجار، حاج شیخ علی اصغر لیل آبادی، حاج محمدجعفر مؤتمن، میرزا صادق خان صادق‌الملک، حاج ناصر حضرت و غیره، که اغلب آنها در راه دفاع از وطن، آزادی و مشروطیت متحمل رنج‌ها و سختی‌های بسیار شدند و در همان راه جان باختند.

انجمن مزبور از دو مجلس تشکیل می‌شد، «مجلس عمومی» که وظیفه آن رسیدگی به عرایض و تظلمات مردم بود، و «مجلس خصوصی» که نمایندگان منتخب مردم در روزهای یکشنبه و چهارشنبه تشکیل می‌دادند و درباره امور عمده دولتی و ملتی مذاکره می‌کردند. به علاوه از، طرف اصناف و کسبه، می‌بایستی هر روز دوازده نفر در انجمن حضور یابند. هر روز (به غیر از جمعه) سه نفر از نمایندگان تجار، دو نفر از اصناف و نیز مأموران اجرا در مجلس عمومی حاضر می‌شدند و برای رسیدگی به مشکلات مردم با اعضای «مجلس عمومی» همکاری می‌کردند. (انجمن، س ۱، ش ۱۸).

ریاست انجمن ابتدا با حاج مهدی کوزه‌کنانی، ملقب به ابوالمله، بود. از ۱۰ ذی‌حجه ۱۳۲۴ / ۲۵ ژانویه ۱۹۰۷ حاجی نظام‌الدوله به ریاست انجمن انتخاب شد. مدتی هم بصیر السلطنه رئیس انجمن بود. درگیر و دار جنگ‌های تبریز و پراکنده شدن اعضای انجمن، در تشکیلات جدید، سیدمحمدتقی طباطبائی، ریاست انجمن را عهده دار شد.

(رفیعی، همان: ۴۲). روی هم رفته، انجمن مزبور، در کلیه مسایلی که جنبه حکومتی و دولتی و قانون‌گذاری داشت، در محدوده ایالت آذربایجان دخالت می‌کرد، به طوری که با مساعی آن انجمن، بهای نان در شهر تبریز کاهش یافت. این انجمن همچنین بر عرض کالاهای اساسی نظارت داشت و به تشکیل مدارس جدید اقدام ورزید. نفوذ و اعتبار انجمن به قدری زیاد شد که مجاهدان تبریز برای اخراج میرزا حسن مجتهد و پسرش میرزا مسعود از شهر، به انجمن متوسل شدند. (کسروی، همان: ۲۳۱-۲۳۴).

۲. انجمن ولایتی گیلان

علاوه بر انجمن ایالتی آذربایجان، انجمن ولایتی گیلان نیز در زمره انجمن‌های فعال این دوره بود. انجمن مزبور به تاسی از انجمن ایالتی آذربایجان (انجمن تبریز) پیش از رسمیت یافتن انجمن‌های ایالتی و ولایتی فعالیت خود را آغاز کرد و در عرصه های مختلف سیاسی پیش تاز مبارزه بود. رایینو نایب کنسول انگلیس در رشت، که از نزدیک شاهد وقایع مشروطه گیلان بوده، درباره چگونگی تأسیس این انجمن می نویسد: در روز ۵ ذی قعدة ۱۳۲۴/۲۱ دسامبر ۱۹۰۶ وزیر اکرم حاکم گیلان اطلاع داد هر چه زودتر شش نفر برای انجمن ملی رشت تشکیل شوند (رایینو، همان: ۲). وی سپس می‌نویسد: در روز ۱۱ محرم ۱۳۲۵/۲۴ فوریه ۱۹۰۷، انجمن در خانه حاجی مجتهد تشکیل شد. (رایینو، همان: ۴) در منابع تاریخ مشروطه نخستین باری که از این انجمن نام برده می‌شود، هم‌زمان با انتخاب وکلای مجلس اول می باشد. در این هنگام، با انتخاب وکیل التجار، جمعی از تجار محلی تحت تأثیر القائنات حاج خمایی - یکی از علمای متنفذ محلی - و محمدولی خان تنکابنی (سپهدار) - که تازه به حکومت گیلان منصوب شده بود - به مخالفت برضد انجمن رشت و وکالت وکیل التجار پرداختند و از این تاریخ به بعد در شهر بین طرفداران و مخالفان انجمن دو دستگی به وجود آمد. «دسته‌ای از رجال محلی و عده قلیلی از علمای رشت به مساعدت معنوی سپهدار، طرفدار حاج خمایی شده، و کسبه و تجار عمده و عده‌ای از ایرانیانی که از قفقاز برای

مساعادت مشروطه آمده بودند، طرفدار انجمن گردیده، و بالتیجه احکام حاج خمami را وقعی نگذاشته و اثری به آن نمی دادند. (تهرانی، ۱۳۸۰: ۵۵۶). اگرچه حاج خمami ابتدا طرفدار مشروطه بود، لیکن در اثر تزلزلی که در موقعیت او فراهم آمد، شروع به مخالفت با انجمن کرد و چون روابطی با بهبهانی و طباطبایی و شیخ فضل الله نوری داشت، تصمیم گرفت که از رشت به تهران برود تا شاید بتواند با مساعادت دوستان خود در تهران، انجمن مزبور را منحل کند و انجمن دیگری تشکیل دهد. ضمناً، سپهدار هم، که روابط خوبی با انجمن نداشت، به مساعادت با حاج خمami می پرداخت. بنابراین، حاج خمami و عده‌ای دیگر از اتباع آنان از رشت به خارج شهر (صحرای ناصریه) رفتند و با تلگراف از انجمن و اعمال آنها به مجلس شکایت کردند و در همان جا ماندند تا از طرف مجلس جوابی برسد. (مذاکرات مجلس اول، ۱۸ صفر ۱۳۵۲). از سوی دیگر، سپهدار راجع به حرکت آنان تلگرافی بدین شرح به تهران مخابره کرد: حاج خمami به طور قهر عازم طهران و علمای دیگر هم حرکت می کنند. رنجش از حاج آقا رضا و انجمن‌های متعدده خاصه از اشخاص بیکار مفت خوار که باعث مفسده هستند دارند. (تهرانی، همان جا). سرانجام، پس از مذاکره بسیار، مقرر شد که از طرف وزارت داخله مأموری به رشت برود و در این زمینه تحقیق کند و گزارش آن را بدهد. همچنین، از طرف مجلس تلگرافی بدین مضمون به حاج خمami و همراهان او مخابره شد:

جنابان مستطابان آقای حاج خمami و آقای حاج شیخ علی، از قراری که جناب سپهدار تلگرافاً به جناب سردار منصور اطلاع داده‌اند، قهراً می‌آید سمت طهران، اسباب حیرت است. در این موقع که باید در راه عدالت قدم بزنید، این طور اقدامات می‌نمایید. چون مأمور می‌آید برای رسیدگی و اصلاح، متمنی است حرکت را موقوف تا مأمور برسد. (مذاکرات مجلس، ۲ ربیع الاول ۱۳۲۵). در همین زمان، حاج بحرالعلوم - نماینده علمای رشت در مجلس - برخلاف تلگراف مجلس، تلگرافی به حاج سید محمود - یکی از علمای رشت و دوست و رفیق حاج خمami - بدین شرح مخابره کرد:

جناب آقای حاج سید محمود، حرکت حجه الاسلام به موقع مراجعت صحیح نیست، گوش به آن تلگراف (تلگراف مجلس) نفرمایید. تلگراف به مجلس که تمام انجمن‌های رشت موقوف و دو نفر مفسد از طهران خارج، عقیده بنده از توقف در خارج نتیجه گرفته می‌شود. (مذاکرات مجلس، ۲ ربیع الاول ۱۳۲۵).

از سوی دیگر، با اعزام نماینده وزارت داخله به رشت، حاج خمami به همراه عده‌ای از اتباع خود به تهران آمد و برای مدتی به همکاری با شیخ فضل الله نوری پرداخت. طولانی شدن زمان تدوین و تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و متمم قانون اساسی، از دیگر موضوع‌های بود که با واکنش جدی مردم و انجمن رشت مواجه شد. در ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۵/۲۹ آوریل ۱۹۰۷ انجمن رشت تقاضای خود را راجع به قانون انجمن ولایتی و بلدی و متمم قانون اساسی اظهار داشت و امضای سریع آن را از مجلس خواستار شد. (تهرانی، همان: ۶۰۵).

محمدعلی تهرانی بر این باور است که «علاوه بر تحریکاتی که از طرف مجاهدین قفقاز نسبت به انجمن می‌شده است، از طهران مخصوصاً از طرف سعدالدوله و تقی‌زاده نیز پس از حرکت امین السلطان از رشت نیز شده باشد». (تهرانی همان جا). به هر ترتیب، وکلای مزبور در پاسخ به درخواست‌های انجمن رشت، جواب دادند: «قانون اساسی در دست اقدام است و قانون انجمن ولایتی تمام شده ولی هنوز به صحنه نرسیده است». (مذاکرات مجلس، اول ربیع الاول ۱۳۲۵).

در روزهای هفدهم و هیجدهم ربیع الاول نیز مردم رشت دکان‌ها و بازارها را بستند و به تلگراف‌خانه آمدند و تلگراف‌های متعددی درباره متمم قانون اساسی و نظام نامه انجمن بلدی و ولایتی به مجلس مخابره کردند. تا روز بیستم ربیع الاول مبادلات تلگراف از تهران به رشت و انزلی و از آنجا به تهران صورت گرفت، و در همان روز تلگراف انجمن رشت به شرح زیر خوانده شد:

تمام علما، به استثنای سه نفر، و تمام ذاکرین واعظین واعیان و تجار، به غیر از چهار نفر، و اصناف و کسبه و غیره، تماماً حاضر و عرض می‌کنند: نیامدن شما به تلگرافخانه

اسباب وحشت شده، چهار روز است تمام مردم از کارها تعطیل و از اطراف به شهر ریخته، ابدأ تأمل [تحمل] و صبر ندارند و وکلا (انجمن) هم از جان افتاده نمی توانند ساکت نمایند. عرض عموم این است که نظامنامه انجمن های ایالتی و متمم قانون اساسی و امتیازنامه بانک به صحنه برسد. تا حال صبر کرده ایم دیگر صبر نخواهیم نمود و قوت صبر نمودن نداریم. (مذاکرات مجلس، ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵). پس از قرائت تلگراف مزبور، مجلس تلگرافی به انجمن رشت مخابره کرد و در آن خاطر نشان ساخت که «نظامنامه انجمن های ایالتی هم تمام شد. ولی این طور کارها و وکلا را از کار باز می دارد. مجدداً خواهش می شود که اهالی را ساکت نماید و همین تلگرافات امروز در محضر وزراء قرائت شده در انجام مقاصد خواهیم کوشید». (مذاکرات مجلس، ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵).

اگرچه در جواب تلگراف مزبور، اعضای انجمن دوباره به مجلس تلگراف کردند که «به این وعده ها مشکل است اهالی ساکت شوند، هر قدر می خواهیم ساکت نمایم ناله به فلک می رسد، ملتفت نکف سرحدی باشید کار از دست نرود. چرا صریحاً نمی فرمایید نظامنامه انجمن ها تمام شده یا نه. به صحه رسیده یا خیر ...». (تهرانی، همان: ۶۰۶) با وجود آن، نظر به تقاضای مجدد از طرف مجلس و وعده انقضای یک هفته، انجمن اهالی را ساکت و روز بیستم ربیع الاول مغازه ها را باز کردند و منتظر پیش آمد شدند (مذاکرات مجلس، اول ۱۴ رجب ۱۳۲۵). تا آن که سرانجام، مجلس قانون انجمن های ایالتی و ولایتی را به تصویب رساند.

پس از تصویب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی، بر اساس تصمیم مجلس شورای ملی، مقرر شد انجمن رشت، همانند سایر انجمن ها، پس از برگزاری انتخابات، برای برگزیدن اعضای جدید انجمن و یا اعضای سابق آن، به عنوان انجمن ولایتی گیلان فعالیت خود را آغاز کند (انجمن ملی ولایتی گیلان، س ۱، ش ۱). اگرچه تصمیم مجلس مبنی بر ولایتی بودن انجمن گیلان - و نه ایالتی - با اعتراضاتی روبرو شد، لیکن هیچ ترتیب اثری در این باره داده نشد. در پی آن، اعضای انجمن مزبور بدین شرح انتخاب

شدند: آقا شیخ محمدرضا از طرف علما، حاجی سید محمود از طرف مالکین، حاجی معین الممالک از طرف تجار، میرزا اسدالله خان از طرف کسبه و اصناف، حاجی شریعتمدار و حاجی میرزا محمدرضا نیز که ظاهراً از اعضای انجمن رشت بودند، برحسب حکم مجلس شورای ملی انتخاب شدند. (انجمن ملی ولایتی گیلان، س ۱، ش ۱). سپس، حاجی معین الممالک به قید قرعه به ریاست انجمن برگزیده شد. در نخستین جلسه انجمن، حاجی معین الممالک اظهار داشت: «امور زراعت خیلی اهمیت دارد، ما بین رعایا با ارباب ملک پاره‌ای اختلافات است، رعایا هم در خط اطاعت نیستند، خوب است امروز به این فقره مهمه شروع شود». (انجمن ملی ولایتی گیلان، س ۱، ش ۱). بنابراین، یکی از اقدامات اصلی انجمن مزبور سامان بخشیدن به امور زراعت و رسیدگی به تظلمات مردم، خصوصاً قضاوت در امر دعاوی ارباب و رعیت بر سر پرداخت مال الاجاره و مسایلی از این قبیل، بود.

انجمن دارای روزنامه‌ای به نام «انجمن ملی ولایتی گیلان» به مدیریت دبیر الممالک بود که مذاکرات انجمن در آن انتشار می‌یافت. پس از تعطیل روزنامه مزبور، مذاکرات انجمن در روزنامه «گیلان» منتشر می‌گشت که نخستین شماره آن در تاریخ ۱۸ ذی حجه ۱۳۲۵ / ۲۲ ژانویه ۱۹۰۸ به مدیریت حسن خان اسدزاده در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. (انجمن ملی ولایتی گیلان س ۱، ش ۱).

پیش از تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انجمن‌های متعددی در نقاط مختلف کشور فعالیت داشتند، اما از آن جایی که ادامه این روند باعث تهدید موقعیت و منافع افراد متنفذ محلی و دخالت مستقیم مردم در سرنوشت جامعه و نیز موجب مشکلات اجرایی می‌شد، فعالیت انجمن‌های مزبور بنابر تصمیم مجلس به چهار انجمن ایالتی و یازده انجمن ولایتی محدود شد. بنابراین، در گیلان تنها یک انجمن ولایتی با مرکزیت رشت به فعالیت رسمی پرداخت و از فعالیت انجمن‌های دیگر نظیر انجمن انزلی، لاهیجان، لنگرود، فومن و نظایر آن، جلوگیری به عمل آمد. (رابینو، همان: ۲۹).

در تلگرافی که از سوی انجمن ولایتی گیلان خطاب به اهالی کسما در این باره مخابره شده، چنین آمده است:

از طرف انجمن محترم گیلان به عموم اهالی کسما ابلاغ می شود امروز تکلیف ملت اطاعت اوامر مقدمه صادره از مجلس شورای ملی و اولیای دولت علیه است. برحسب تلگرافاتی که صادر کرده اند و البته شنیده اید، در هیچ نقطه گیلانات تشکیل انجمن نباید بشود. فقط دوازده نفر از دوازده محل به عنوان وکالت در انجمن گیلانات، که مرکز آن رشت است، حاضر شوند، من جمله کسما و فومن باید یک نفر را به ترتیب نظام نامه انتخاب نماید و روانه دارند. در صورتی که انجمن لاهیجان و لنگرود و انزلی را موقوف دارند، توقع تشکیل انجمن در جاهای دیگر بی محل خواهد بود. دستورالعمل انتخابات هم بهوسیله کتابچه چاپی به همه جا فرستاده می شود. البته یک نسخه هم برای شما فرستاده خواهد شد. امروز تکلیف شما موقوف کردن انجمن است و در فکر نظم امر خود بودن، رعیت را وا دارید مشغول رعیتی خود باشند. مال الاجاره شان را به ارباب ملک بدهند، اگر تقاعد ورزند، حکومت اقدامات سریعانه خواهد نمود. (انجمن ملی ولایتی گیلان، س ۱ ش ۳).

انجمن ولایتی گیلان ارتباط بسیار نزدیکی با انجمن ایالتی آذربایجان داشت و یکی از دلایل این امر، وجود زمینه های فکری مشابه در مناطق مزبور بود. رشت در طول مجلس اول فعال و پرتکاپو بود و پس از آذربایجان، گیلان مهم ترین مرکز مقاومت مشروطه خواهان به شمار می رفت. در هر دو منطقه، انجمن علاوه بر رسیدگی به امور داخلی، در جبهه خارجی - خصوصاً مبارزه با روس ها - پیش تاز مبارزه بود. (رفیعی، همان: ۵۵).

انجمن ولایتی گیلان در دوره استبداد صغیر تحت عنوان انجمن ایالتی گیلان همچنان به فعالیت خود ادامه داد. این انجمن، کمیته ای مخفی به نام کمیته ستار در رشت داشت که بسیار فعال بود. رهبر کمیته ستار، میرزا کریم خان رشتی بود که با کمیته سوسیال دموکرات باکو ارتباط داشت. اعضای دیگر این کمیته عبارت بودند از: علی محمد تربیت

برادر محمدعلی تربیت، معزالسلطان (سردار محیی)، عمیدالسلطان، حسین خان کسمایی و پیرم خان ارمنی. کمیف مزبور در واقعه فتح تهران نقش مؤثری ایفا کرد که در جای خود بدان پرداخته خواهد شد.

۳. انجمن ولایتی اصفهان

علاوه بر انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن ولایتی رشت، انجمن ولایتی اصفهان نیز در زمره انجمن‌های فعال این دوره بود. مقدمات تشکیل این انجمن به دنبال گردهم‌آیی جمعیت‌های مختلفی که در روزهای اول ماه ذی قعدة سال ۱۳۲۴ ق/ ۱۷ دسامبر ۱۹۰۶ در شهر برای استدعای اقامه مجلس محلی و انتخاب وکلا و اعزام آنها به پایتخت تشکیل گردید، فراهم شد و در پی آن اعلامیه‌ای از سوی حضار صادر شد. در این اعلامیه بر لزوم اتحاد و ائتلاف و دعوت به امر معروف و نهی از منکر تأکید شد. بدین ترتیب، جمعی از رجال اصفهان تصمیم خود را به تشکیل انجمن ولایتی به اطلاع عموم رساندند. نخستین جلسه انجمن ولایتی اصفهان در روز ۶ ذی قعدة ۱۳۲۴ / ۲۲ دسامبر ۱۹۰۶ با نطق حاکم اصفهان مسعود میرزا ظل السلطان پسر بزرگ ناصرالدین شاه (۱۲۵۹ تا ۱۳۳۶ ق) در عمارت چهل ستون و با شرکت طبقات مختلف مردم تشکیل شد (ابطحی، ۱۳۷۸: ۹-۱۲). ظل السلطان، که فعالانه در شروع کار انجمن اقدام کرده بود، به این امر اکتفا نکرد و حتی وظایفی برای انجمن مقرر داشت. برخی از این وظایف چنین بودند:

۱. انجمن ولایتی تحت نظارت حضرت والاست.
۲. احکام انجمن باید بر طبق قوانین و قواعد شریعت مطهره باشد.
۳. همه افراد در هر لباس در برابر احکام صادره یکسان هستند.
۴. عارضین و شاکیان بایستی عرایض خود را کتباً به مجلس عرض کنند. اگر عارضی قصد و ادعای باطل داشته باشد، موآخذه و مجازات خواهد شد.
۵. وظیفه مجلس رسیدگی به مسائل کلی است.

۶. عدم مداخله مجلس در امر نظام.
۷. مجلس حق دخالت در امور مالیاتی و دیون را ندارد.
۸. اعضای مجلس حداکثر ۲۴ و حداقل ۱۸ نفر، عده معاونین دیگر از ۶ بیشتر نشود.
۹. هنگام مذاکره در مورد مسایل باید دو سوم اهل مجلس حاضر باشند. (انجمن اصفهان، س ۱، ش ۵).

بدین گونه، انجمن ولایتی اصفهان کار خود را آغاز کرد و در نخستین اقدام خود، ترتیب برگزاری انتخاب نمایندگان طبقات مختلف اصفهان در مجلس شورای ملی را داد. جلسات انجمن دو روز در هفته تشکیل می شد و گاهی اوقات به دلیل پیش آمدن مسائل غیر مترقبه، جلسات فوق العاده نیز تشکیل می داد. از طرف ظل السلطان حاکم اصفهان، میرزا محمدباقر خان منشی در انجمن حضور می یافت. (ابطحی، ۱۳۷۸: ۱۶-۱۵).

اخبار مذاکرات انجمن ولایتی و شرح اقدامات آن در روزنامه های آن روز اصفهان، همچون روزنامه الجنباب به مدیریت سیدعلی جناب (تأسیس ۱۳۲۴ق) و روزنامه جهاد اکبر به مدیریت میرزا علی آقا خراسانی (تأسیس ۱۳۲۵ق) و از همه مهم تر روزنامه انجمن اصفهان، ارگان انجمن ولایتی اصفهان، درج می شد. (ابطحی، همان: ۱۰-۹).

شماره اول این روزنامه در تاریخ یکشنبه ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۴/۶ ثانیة ۱۹۰۷ در چهار صفحه به صورت هفتگی در اصفهان منتشر شد. مدیر کل آن آقا ناظم و تحویل دار آن آقا میرزا محمدسعید نائینی بود. این روزنامه در سال اول به نام «روزنامه انجمن اصفهان» منتشر شد و در سال دوم انتشار، نام آن به «انجمن مقدس ملی اصفهان» تغییر یافت (انجمن اصفهان، س ۱ ش ۱). سپس، در سال سوم و چهارم به نام «انجمن اصفهان» موسوم گردید. در نخستین شماره آن، روزنامه خود را چنین معرفی می نماید:

این جریده مطلق و آزاد است و از تمامی فواید و مصالح ملت و نتایج و مذاکرات انجمن مقدس ملی اصفهان و وقایع مهمه آن و هر گونه مطلبی که راجع به مواد پلیتیکی

و تجارتمی و اجتماع ملی بوده باشد، درج می‌شود. (انجمن مقدس ملی اصفهان، س ۲، ش ۲۷).

انجمن مذکور، که اعضای آن متشکل می‌شدند از علما و اعیان و تجار، کلا تحت تأثیر شخصیت دو روحانی برجسته این شهر، یعنی آقا نجفی و حاج آقا نورالله، بود. بنابراین، انجمن مزبور، علی‌رغم روحی وطن‌خواهی و مشی استبداد و بیگانه‌ستیزانه‌ای که از ابتدا تا انتهای دوران حیاتش نشان داد، مانند سایر انجمن‌ها - و از آن جمله انجمن پرورش تبریز - تند روی شدیدی نداشت، بلکه با روشی محافظه‌کارانه به مسائل می‌نگریست. روزنامه انجمن اصفهان نیز، برخلاف برخی از روزنامه‌های آن دوره، هیچ‌گاه تندروی نکرد و روش مسالمت‌جویانه‌ای در پیش گرفت. (دهقان نیری، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۰).

انجمن ولایتی اصفهان در طول حیات خود پیش از استبداد صغیر فعالیت‌های گوناگونی انجام داد که می‌توان مهم‌ترین آنها را به اختصار چنین ذکر کرد:

۱. نظارت بر انجمن‌های گوناگون موجود در اصفهان و اطراف آن
۲. ارتباط با مجلس شورای ملی و هیئت دولت و دربار
۳. ارتباط با انجمن‌های ولایتی سایر شهرها و افراد سرشناس در گوشه و کنار آن ناحیه
۴. ارتباط با سفارتخانه‌های خارجی و مکاتبه با آنها
۵. رسیدگی به وضعیت افواج نظامی
۶. سازمان‌دهی و دقت در تدارک اسلحه، آذوقه و جیره کافی برای آنها و ترتیب یک اهودی نظامی بزرگ سراسری در کوه صفه (دهقان نیری، همان جا).

روی هم رفته، نقش انجمن‌های ایالتی و ولایتی حائز اهمیت بسیار بود، زیرا، این انجمن‌ها «زمانی فعالیت خود را آغاز کردند که عناصر با نفوذ محلی ابزار قدرت را در اختیار داشتند. اکثر حاکمان محلی به نظام گذشته وفادار بودند. مجلس نوپا بود و

ناتوان. سازمان‌های جدید هنوز ایجاد نگشته بود». (یزدانی ۱۳۷۶: ۶۸). در چنین وضعیتی، که می‌توان آن را مرحله گذار از نظام استبدادی به نظام جدید مدنی مبتنی بر مردم سالاری نامید، انجمن‌های ایالتی و ولایتی انتقال قدرت را از نظام کهن به نظام جدید میسر ساختند. (Lambton, 1912: 180).

نکته دیگر آنکه، باید بین انجمن‌های ملی طرفدار مشروطه و انجمن‌های ارتجاعی طرفدار سلطنت استبدادی محمدعلی شاه، تفاوت قایل شد. زیرا، بسیاری از اغتشاش‌ها و هرج و مرج‌های سیاسی که به نام انجمن‌ها تمام می‌شد و دولت و مجلس واکنش تندی در برابر آنها از خود بروز می‌دادند، ساخته و پرداخته این دسته از انجمن‌ها بود، و به قول شریف کاشانی «اقدامات ناصحیح انجمن‌هایی که مستبدین و اعلی حضرت به اسم مشروطیت منعقد گردیده، هرزگی‌ها» می‌کردند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱/۱۷۶). از آن گذشته، این دسته از انجمن‌ها بنا به نوشته شریف کاشانی، «سختگویی به شاه می‌کنند به جهت اشتعال آتش فتنه». (همان: ۱۸۲).

به هر ترتیب، با تصویب «قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی»، برخی از انجمن‌های ملی در قالب انجمن ایالتی یا ولایتی، شکل قانونی به خود گرفتند و به عنوان نماینده حکومت مرکزی نقش ایفا می‌کردند، لیکن نقش و جایگاه هر یک از انجمن‌های مزبور متفاوت بود. قدر مسلم آن است که انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن ولایتی گیلان نقش عمده‌ای در شکل‌گیری تحولات سیاسی این دوره بر عهده داشتند. با تشکیل این دسته از انجمن‌ها سعی شد از ادامه فعالیت انجمن‌های ملی جلوگیری به عمل آید، لیکن انجمن‌های مزبور تا پایان دوره مجلس اول همچنان فعال ماندند و به مبارزه با محمدعلی شاه و دفاع از مشروطه ادامه دادند (اتحادیه، همان: ۱۶۷-۱۵۷؛ آفاری، ۱۳۷۹: ۱۱۴-۱۰۳).

ب) انجمن‌های سیاسی

انجمن‌های سیاسی، که پس از برقراری نظام مشروطه تشکیل یافتند، تا حدی مشابه احزاب سیاسی بودند و نقش حزب را در دموکراسی پارلمانی ایفا

می‌کردند. (اتحادیه، همان: ۱۴۹). تشکیل انجمن‌های سیاسی بر طبق اصل ۲۱ متمم قانون اساسی، قانونی اعلام شد (شعبان ۱۳۲۵/ سپتامبر ۱۹۰۷)، اما پیش از تصویب متمم، انجمن‌های سیاسی تشکیل یافته بودند و در تهران و سایر شهرها فعالیت داشتند. تعداد آنها در تهران بین یکصد تا دویست انجمن بود. (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۴۰۷/۲). تعداد اعضای آنها را نیز مجموعاً سی هزار نفر تخمین زده‌اند. (مامون‌تف، ۱۳۶۳: ۳۳۸). علاوه بر انجمن‌هایی نظیر اتحادیه آذربایجان، اصناف، طلاب، شاه آباد، مظفری، برادران دروازه قزوین و مجاهدین، که دارای خصلت سیاسی بودند، انجمن‌هایی با ماهیت صنفی یا ولایتی فعال بودند، از قبیل انجمن‌های مستوفیان، لشکر نویسان، درشکه چیان و کارکنان تراموای شهری و یا انجمن آذربایجان، انجمن اصفهان و انجمن شیراز، که در تهران تشکیل یافته بودند و فعالیت می‌کردند. انجمن‌های اخیر، «به این طریق در پایتخت حضور مستقیم داشتند و با مجلس ارتباط برقرار می‌کردند. بزرگ‌ترین و با نفوذترین این نوع انجمن‌ها، انجمن آذربایجان در تهران به رهبری تقی زاده بود. این انجمن که در حدود سه هزار عضو داشت، در وقایع پایتخت نقش مهمی بازی می‌کرد» (آفاری، همان: ۱۰۶۹). ملک‌زاده فعالیت این دسته از انجمن‌ها را در راستای تحقق اهداف مشروطه می‌داند و می‌نویسد: همه روزه این انجمن‌ها تشکیل می‌شد و اعضا به مذاکره در اطراف اصلاحات امور و تقویت اساس مشروطیت و ترقی کشور می‌پرداختند و تمامی دستگاه دولت و ادارات مملکت را تحت نظارت قرار داده بودند و چون می‌شنیدند کاری بر خلاف عدالت شده و یا یک عمل خلاف قانون در یکی از ادارات دیده شده، قیام می‌کردند و از دولت و مجلس استیضاح می‌کردند. (ملک زاده، همان‌جا).

انجمن‌های سیاسی را بر اساس نوع فعالیت و عمل‌کردشان در قبال نظام مشروطه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: انجمن‌های ملی (انقلابی)، و انجمن‌های استبداد خواه (ارتجاعی).

۱. انجمن‌های ملی

این انجمن‌ها بیشتر به وسیله تندروها و یا عناصر وفادار به نظام مشروطه تشکیل یافته بود و فشاری که از سوی این انجمن‌ها بر دولت می‌آوردند، موجب اعتراض دیوان‌سالاران میانه رو می‌شد. از این رو، شاید بتوان بسیاری از انجمن‌های ملی را «انجمن انقلابی» هم نامید. از قبیل «انجمن برادران دروازه قزوین» به ریاست میرزا سلیمان خان میکده، و انجمن شاه‌آباد و انجمن مظفری، که مواضع سیاسی مشترکی با جناح تندرو مجلس داشتند و از حمایت فرقه اجتماع‌یون-عامیون تهران و روزنامه‌های انقلابی، از قبیل صور اسرافیل و حبل‌المتین، برخوردار بودند.

اعضای این انجمن‌ها، اگرچه سری پرشور و دلی سوخته داشتند، اما چون از اصول مشروطیت و وظایف مردم در کشور مشروطه و حقوق و حدود قانون آگاهی کافی نداشتند (ملک زاده، همان: ۵۲۱) در کارهای قوه مجریه مداخله می‌کردند و معضلاتی برای دولت فراهم می‌آوردند (همان: ۴۰۷). به بیان دیگر، خصلت انقلابی این دسته از انجمن‌ها و نحوه فعالیت آنها موجب رنجش دیوان‌سالاران میانه رو از آنان می‌شد. چنانکه، مخبرالسلطنه هدایت وزیر علوم، بی‌اعتمادی اتابک وزیر داخله نسبت به بعضی از آنها را به اطلاع مجلس رساند و در اعتراض به تشکیل انجمن‌های متعدد و دخالت آنها در امور مملکت اظهار داشت:

اجزای انجمن چه حق دارند که در کار سیاسی دخالت کرده، کاغذ بنویسند و فشار بیاورند. نزدیک است مجلس ملی در میانه گم شود. انجمن خیلی خوب است و از لوازم مجلس است، ولی باید وظیفه مخصوص داشته باشد. ترویج صنایع نماید، تأسیس مدارس و مکاتب کند، نه این که در امور سیاسی حکومت دخالت کند. (مذاکرات مجلس اول، ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵). متعاقب آن، محمدعلی شاه نیز، که از اقدامات انقلابی انجمن‌ها واهمه داشت، در ۲۱ شوال ۲۷/۱۳۲۵ نوامبر ۱۹۰۷ از مجلس انحلال آنها را تقاضا کرد و پیغام داد: اشرار تماماً هر یک به اسم انجمن برای خودشان محلی معین کرده و محل آسایش اهالی و نظم شهر شده و سایر انجمن‌های صحیح را بدنام

کرده، امروزه مداخله به تمام امورات سیاسی و دولتی و مجلس پارلمنت می‌نمایند. اگر برای حفظ مجلس است، حفظ مجلس به موجب عهده‌ی که با قرآن خدا در نگاهداری مشروطه نموده‌ام، بر عهده‌ی شخص من است نه رعیت. پس این حرکات چیست... از امروز از انجمن‌هایی که مقصودشان بی‌نظمی و تولید فساد است باید به کلی جلوگیری شود. (مذاکرات مجلس اول، ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵).

با وجود آن که مجلس نظر مساعدی نسبت به اعمال انقلابی انجمن‌ها نداشت و در صدد بود تا از رفتار تند برخی از انجمن‌ها جلوگیری به عمل آورد، اما به دلیل آن که از اهداف پنهانی شاه و خصومت وی نسبت به مشروطه آگاه بود، جواب داد: «به موجب نظامنامه‌ی اساسی اجتماعات آزاد است». (مذاکرات مجلس اول، ۲۴ شوال ۱۳۲۵). نتیجه آن که مجلس از انجام خواسته‌ی شاه طفره رفت. علت اصلی موضع تند و خصمانه‌ی انجمن‌های انقلابی بر ضد محمدعلی شاه و دولت، ناشی از اصل بی‌اعتمادی نسبت به شاه و وزرا و اعتماد وکلای مجلس بود، که در برنامه‌ی فرقه‌ی اجتماعیون - عامیون مشهود نیز بدان تصریح شده بود. البته، اعتماد آنها به مجلس نیز به وکلای تند رو مجلس محدود می‌شد و هرگز نظر مساعدی نسبت به وکلای میانه رو نداشتند. برای مثال، می‌توان به تهدید سیدعبدالله بهبهانی روحانی میانه‌رو در جریان تصویب قانون عدلیه اشاره کرد. دولت‌آبادی در این باره می‌نویسد:

آقا سیدعبدالله با جمعی از دانشمندان مجلس طرف شده اصرار می‌کند نوشته شود محاکمات در اموال و اعتراض و نفوس راجع به محاکم شرعیه مجتهدین عظام است و در امور عرضیه راجع به دیوان عدالت عظمی، مجلسیان میل ندارند نوشته شود. کار به مشاجره کشیده مجلس بر هم می‌خورد. خبر به نمایندگان انجمن‌ها می‌رسد. به هیجان آمده بر ضد آقا سیدعبدالله قیام می‌نمایند و در صدد توهین او می‌شوند، بدزبانی زیاد می‌کنند و ششلول می‌کشند که او را بکشند. آقا سیدعبدالله سخت ترسناک می‌شود و بالاخره صورتی در کمیسیون نوشته می‌شود مطابق ماده‌ی دوم از اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی و از روی ناچار آقا سیدعبدالله و آقا سیدمحمد آن صورت را امضا

می‌کنند. (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲/۱۵۰). بی‌اعتمادی انجمن‌های تند رو نسبت به دولت و دیوان‌سالاران میانه‌رو آن چنان شدید و خشونت آمیز بود که صراحتاً اعلام داشتند: «تا ما طناب به گردن وزرا نیندازیم و میان کوچه و بازار مثل سگ ندوانیم و نگردانیم، کار ما یکطرفی نمی‌شود.» (مغیث السلطنه، ۱۳۶۲: ۲۲۱). علاوه بر آن، در امور دولت مداخله می‌کردند و حتی به زور، وزرا را وادار به نوشتن استعفا می‌کردند. (مجدالاسلام، ۱۳۵۱: ۵۱)؛ و یا با تشکیل اجتماعات، دولت را تحت فشار قرار می‌دادند و تقاضای برقراری امنیت در مرزها و داخل شهرها و حجازات مخالفان مشروطه را می‌کردند. انجمن‌های ملی اگرچه نقش بسزایی در دفاع از مجلس و نظام مشروطه و آزادی‌های مدنی ایفا می‌کردند، اما یک اشکال اساسی در شیوه فعالیت آنها وجود داشت، و آن این بود که چون به میزان اختیار و آزادی خود در نظام مشروطه آگاه نبودند، دست به اقدامات انقلابی از قبیل تهدید در باریان و دیوان‌سالاران میانه رو می‌زدند. به همین سبب، برخی از رهبران سیاسی برای ایجاد هماهنگی در کار انجمن‌ها، تصمیم گرفتند که انجمنی از نمایندگان کلیه انجمن‌های تهران به نام «انجمن مرکزی» تشکیل دهند. از این پس، انجمن‌ها نظرات خود را به انجمن مرکزی پیش نهاد می‌دادند و انجمن مرکزی هم نظرات آنها را به مجلس و دولت منعکس می‌کرد. (ملک زاده، همان: ۴۰۷). با این حال، انجمن مرکزی نیز قادر به تنش زدایی و رفع درگیری‌های سیاسی میان انجمن‌های تند رو و انجمن‌های استبداد خواه نبود.

۲. انجمن‌های استبداد خواه

فعالیت انقلابی انجمن‌های ملی، شاه و درباریان و دیوان‌سالاران سنتی را وادار به تشکیل انجمن‌هایی کرد که نه تنها نظر مساعدی نسبت به مشروطه نداشتند، بلکه هدف اصلی آنها پشتیبانی از استبداد و مبارزه با مشروطه بود. مانند «انجمن ورامین» که توسط اقبال‌الدوله رهبری می‌شد (ملک‌زاده، همان جا)؛ و یا انجمن «همت آباد» و «فتوت». به خصوص پس از قتل اتابک (۲۱ رجب ۱۳۲۵) محمدعلی شاه برای ایجاد درگیری‌های

خیابانی و خنثی ساختن فعالیت انجمن‌های انقلابی، دستور به تشکیل انجمن‌هایی داد که به ظاهر ملی بودند، ولی در خفا با خود وی پیوند داشتند. علاوه بر آن، انجمن‌هایی تشکیل یافت که ظاهری مذهبی و عامه‌پسند داشتند، اما در حقیقت وابسته به انجمن‌های ارتجاعی و مخالف مشروطه بودند. مانند «انجمن آل محمد» و «انجمن مساوات و حقوق» (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۲۸؛ شریف کاشانی، همان: ۱۴۶). ناظم الاسلام کرمانی می‌نویسد: رئیس انجمن مزبور میرزا ابوالقاسم پسر بزرگ سیدمحمد طباطبایی بود. وی از آغاز انقلاب مشروطه طرفدار شاه بود و اعتقاد داشت که «اهل ایران قابل مشروطیت نمی‌باشند». (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۴۹: ۴/۱۵۸). در پی ترور امین‌السلطان و افزایش فعالیت انجمن‌های انقلابی، شاه‌زادگان و دیوان‌سالاران محافظه کار نیز بر آن شدند تا دست به تشکیل انجمنی به نام «انجمن خدمت» بزنند. البته، نام این انجمن و هدف آن مبهم است. دولت‌آبادی می‌نویسد: این انجمن را «انجمن اکابر» یا «امرا» هم می‌گفتند. (دولت‌آبادی، همان: ۱۴۹). «انجمن خدمت» توسط احتشام‌السلطنه و علاءالدوله تشکیل شد و شاه‌زادگان، مالکین بزرگ و درباریان و عده‌ای از استبداد خواهان، مانند کامران میرزا، در آن عضویت داشتند. اعضای این انجمن به دلیل هراسی که از انجمن‌های انقلابی داشتند، به مجلس رفتند و در اعلام وفاداری به مجلس سوگند خوردند. با این حال، ماهیت ارتجاعی این انجمن آشکار بود و به همین دلیل حیدر عمو اوغلی بمبی به منزل علاءالدوله انداخت تا چنان افرادی را مرعوب سازد و آنها را از همکاری با شاه به قصد انهدام مشروطه باز دارد. (اقبال، یادگار: ج ۳، ش ۵۹). اقدام دیگر مخالفان مشروطه رخنه کردن در انجمن‌های انقلابی بود. اتحادیه بر این باور است که «رنخه افراد مرتجع و اخلاص‌گر در انجمن‌ها به ضرر آزادی خواهان تمام می‌شد؛ هر چند که آنها از این مسئله تا حدی با خبر بودند، ولی قادر به جلوگیری از ایشان نبودند. امکان دارد که این افراد گاه عمداً دست به تحریکاتی می‌زدند که رابطه مجلس را با شاه به هم زنند» (اتحادیه، همان: ۱۵۳).

در مجموع، می‌توان گفت که تشکیل انجمن‌های ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی، صرف نظر از کاستی‌ها و بی‌تجربگی‌هایی که در عمل کرد آنها دیده می‌شود، نخستین گام عملی در راستای تشکیل نهادهای مدنی جدید، تحقق آزادی و عدالت اجتماعی و دفاع از نظام مشروطه بود. درباره نقش و اهمیت انجمن‌ها همین بس که مقام و جایگاه آنها در نزد مردم و حاکمیت سیاسی جامعه آن چنان فزونی یافت که حتی افرادی هم که اعتقادی به حضور مردم در تعیین سرنوشت جامعه و برقراری نظام مشروطه نداشتند و تشکیل چنین انجمن‌هایی را باعث تهدید موقعیت و منافع خود می‌دیدند، برای دستیابی به اهداف و منافع خود، ترجیح دادند به ظاهر هم که شده، وارد این انجمن‌ها بشوند و یا آن که انجمن‌هایی مطابق با اندیشه و آمال خود تشکیل دهند تا شاید بتوانند از این طریق فعالیت انجمن‌ها را بی‌اثر سازند، و اتفاقاً همین حرکت ارتجاعی و ضد مردمی باعث به وجود آمدن اندیشه منفی درباره انجمن‌ها و نیز مخدوش ساختن فضای سیاسی جامعه شد. نکته دیگر آن که، اگرچه عمل کرد انجمن‌ها - همانند سایر نهادهای مدنی جدید- به دلیل نوپا بودن و فقدان تجربه لازم در این باره، و نیز علی‌رغم موانعی که گروه‌های متنفذ سنتی بر سر راه انجمن‌ها ایجاد کردند، به طور کامل قابل دفاع نیست، لیکن در مجموع می‌توان نقش آنها را مثبت ارزیابی کرد. به بیان دیگر، نباید، علی‌رغم وجود برخی اشتباهات و کاستی‌ها، کارکرد سیاسی و اقدامات عام المنفعه انجمن‌ها را از نظر دور داشت.

نتیجه‌گیری

روی هم رفته، نگرش دیوان‌سالاران مشروطه خواه میانه رو و دیوان‌سالاران سنتی مخالف مشروطه نسبت به عمل کرد انجمن‌های ملی مطلوب نبود. زیرا روش انقلابی انجمن‌ها تهدیدی جدی بر ضد موقعیت آنها محسوب می‌شد. به بیان دیگر، دیوان‌سالاران سنتی، تلاش انجمن‌ها برای ایجاد دگرگونی در نظام سیاسی و اجتماعی گذشته را خطری بر ضد منافع خود می‌دانستند. دیوان‌سالاران اصلاح طلب میانه رو نیز

که خواهان تشکیل نظم جدید سیاسی مبتنی بر اقتدار دولت و اعتدال گرایمی بودند، دخالت انجمن‌ها در امور مملکت را موجب اختلال در نظم عمومی جامعه و تضعیف دولت تلقی می‌کردند و به همین سبب سعی در محدود ساختن فعالیت آنها داشتند. مخبرالسلطنه در اعتراض به دخالت انجمن‌ها در امور سیاسی، در مجلس سخن گفت و از مجلس خواست جلو فعالیت‌های سیاسی انجمن‌ها گرفته شود. مؤتمن الملک وزیر تجارت و گمرکات برخورد شدیدتری نسبت به انجمن‌ها از خود نشان داد. مشیرالدوله وزیر امور خارجه نیز به نمایندگان چند انجمن که به آن وزارتخانه رفته بودند، اجازه مداخله نداد. نظام‌السلطنه رئیس الوزرا نیز به ادعای خودش بر آن بود که در دفع نفوذ مخرب و فعالیت هرج و مرج طلبانه انجمن‌ها قاطعانه عمل کند (آدمیت، بی تا: ۹-۲/۱۳۸). در مجلس هم، علاوه بر طباطبایی که طرح تصفیة مجلس و انحلال انجمن‌ها را ارائه داد، مخبرالملک اظهار داشت: «در هیچ جای دنیا معمول نیست که انجمن در امور سیاسی مداخله نماید. اسباب مفسده شده اند». رئیس مجلس صنیع الدوله نیز، که از دیوان سالاران اصلاح طلب محسوب می‌شد و بر اصل آزادی انجمن‌ها تأکید داشت، جلوگیری از فساد و رفتار بی‌قاعده انجمن‌ها را لازم شمرد (مذاکرات مجلس اول، ۱۴ رجب ۱۳۲۵). با این حال، مجلس به منظور دفاع از آزادی‌های سیاسی و مدنی، موضع سختی در برابر انجمن‌ها اتخاذ نکرد و تلاش دیوان سالاران سنتی و میانه‌رو برای توقف فعالیت انجمن‌ها راه به جایی نبرد. تا آن که محمدعلی شاه تصمیم گرفت بساط انجمن‌ها، مجلس و مشروطه را برچیند.

کتابنامه

۱. آدمیت، فریدون. ۱۳۶۶، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران (مجلس اول و بحران آزادی)*. تهران، روشنگران، بی تا. ج ۲.
۲. آفاری، ژانت. ۱۳۷۹، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران، بیستون.
۳. ابطحی، علی رضا. ۱۳۷۸، *انجمن ولایتی اصفهان، نهضت مشروطیت ایران (مجموعه مقالات)*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ج ۱.
۴. اتحادیه، منصوره. ۱۳۶۱، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)*، تهران، گستره.
۵. احتشام السلطنه. ۱۳۶۷، *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران، زوار.
۶. اقبال، عباس. «حیدر خان عمواوغلی»، یادگار، ج ۳، ش ۵.
۷. انجمن اصفهان، سال اول، ش ۱ و ۵ (۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۴).
۸. انجمن ملی ولایتی گیلان، ۱۳۲۵، ش ۳ و ۴.
۹. انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۲۷.
۱۰. تهرانی (کاتوزیان)، محمد علی. ۱۳۸۰، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۱. خرابی، فاروق. ۱۳۸۶، *انجمن های عصر مشروطه*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۲. دولت آبادی، یحیی. ۱۳۶۱، *حیات یحیی*، ج ۲، تهران، فردوسی. ج ۲.
۱۳. دهقان نیری، لقمان. ۱۳۷۸، *انجمن مقدس ملی اصفهان و کودتای محمد علی شاه، نهضت مشروطیت ایران (مجموعه مقالات)*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۴. رابینو، ه. ل. ۱۳۶۸، *مشروطه گیلان، آشوب آخرالزمان*، به کوشش محمد روشن، تهران، انتشارات طاعتی.
۱۵. رفیعی، منصوره. ۱۳۶۲، *انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان)*، تهران، نشر تاریخ ایران.
۱۶. شریف کاشانی، محمد مهدی. ۱۳۶۲، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ج ۱.

۱۷. کسروی، احمد. ۱۳۶۹، *تاریخ مشروطه ایران*. تهران، امیرکبیر.
۱۸. ما مونتف، ن.پ. ۱۳۶۳، *بمباران مجلس شورای ملی (حکومت تزار و محمدعلی شاه)* ، ترجمه شرف‌الدین قهرمان، به اهتمام همایون شهیدی، تهران، نشر اشکان.
۱۹. مجدالاسلام کرمانی، احمد. ۱۳۵۱، *تاریخ انحطاط مجلس*، مقدمه و تحشیه از محمود خلیل پور، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۲۰. مغیث السلطنه، یوسف. ۱۳۶۲، *نامه‌های یوسف مغیث السلطنه (۱۳۳۴-۱۳۲۰ق)*، به کوشش معصومه مافی، تهران، نشر تاریخ ایران.
۲۱. ملک‌زاده، مهدی. ۱۳۶۳، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. ج ۲، تهران، علمی، ج ۲.
۲۲. ناظم الاسلام کرمانی، محمد. ۱۳۴۹، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ج ۴.
۲۳. یزدانی، سهراب. ۱۳۷۶، *کسروی و تاریخ مشروطه ایران*، تهران، نشر نی.

24. Lambton, A.K.S. 1912, "the Persian Constitutional Revolution of 1905-6" in P.J. Vatikiotis(ed), *Revolution in the Middle East*, George Allen & Unwin Ltd.